

پژوهش‌های حقوقی

شماره ۱۳

هزار و سیصد و هشتاد و هفت - نیمسال اول

مقالات

- بهینه‌سازی قراردادهای بیع متقابل در صنعت نفت ایران
- قطعنامه ۱۸۳۵ شورای امنیت: زمینه و دورنما در برداشتی حقوقی
- موارد عدم تعهد بیمه‌گر در بیمه‌های اشخاص
- جرم‌انگاری انکار هولوکاست: مطابق یا مغایر حقوق بشر؟
- حوادث اتمی و اصول مسؤولیت مدنی
- قاعده منع توسل به زور پس از بحران اخیر اوستیای جنوبی

موضوع ویژه: حمایت حقوقی از اشخاص دارای معلولیت

- تحول‌گفتمانی: حق‌ها و آزادی‌های معلولان در آئینه حقوق بشر معاصر
- تأملی بر قانون جامع حمایت از حقوق معلولان
- حقوق آموزشی کودکان معلول در ایران: ضرورت همگامی با تحولات بین‌المللی
- سازوکارهای حمایت از حق اشتغال اشخاص دارای معلولیت
- حمایت از اشخاص دارای معلولیت در درگیری‌های مسلحانه
- نگاهی به حمایت از حقوق اشخاص دارای معلولیت در جامعه اروپا
- بازداشتگاه مناسب برای معلولان زندانی از منظر دیوان اروپایی حقوق بشر

نقد: لایحه قانون مجازات اسلامی

- آسیب‌شناسی لایحه قانون مجازات اسلامی از منظر عقلانیت گفتاری
- جایگاه بزه‌دیده در لایحه قانون مجازات اسلامی: نقد بزه‌دیده‌شناسانه باب کلیات
- مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی در لایحه قانون مجازات اسلامی
- واکاوی لزوم استیذان در قصاص





نگاهی به حمایت از حقوق اشخاص دارای معلولیت در جامعه اروپا

دکتر سیدقاسم زمانی*

چکیده: هنگامی که با تشکیل جوامع اروپایی در دهه ۱۹۵۰، زمینه پدیداری نوعی فدرالیسم بین‌المللی میان کشورهای اروپای غربی ایجاد گردید اهداف اقتصادی آن چنان مهم می‌نمود که توجه چندانی به حقوق اجتماعی و بنیادین اشخاص نشد و در نتیجه افراد و دیگر گروههای آسیب‌پذیر از جمله اشخاص دارای معلولیت چندان مورد عنایت قرار نگرفتند. شورای اروپا نیز که در ۴ نوامبر ۱۹۵۰ در رم کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را به امضای کشورهای اروپایی رساند چه در کنوانسیون و چه در پروتکل‌هایی که متعاقباً به کنوانسیون ملحق نمود جز در قالب اصل کلی ممنوعیت تبعیض توجه مستقیمی به حقوق اشخاص دارای معلولیت ننمود. با وجود این، بعدها در اثر تحولات بین‌المللی و نیز به یمن تلاشهای نهادها و سازمانهای غیردولتی، حقوق اشخاص دارای معلولیت از رهگذر مصوبات جامعه اروپا (اتحادیه اروپا) و رویه قضائی دیوان اروپایی حقوق بشر تا حدی مورد توجه قرار گرفت.

کلیدواژه‌ها: جامعه اروپا، معلولیت، اشخاص دارای معلولیت، اتحادیه اروپا، شورای اروپا، حقوق بشر

مقدمه

اشخاص دارای معلولیت‌های مختلف جسمی و روانی، بخشی از واقعیت هر جامعه انسانی

* معاون پژوهشی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهردانش، عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

را تشکیل می‌دهند. این اشخاص که در اثر عوامل ژنتیکی گوناگون با معلولیت زاده شده و یا بعداً دچار معلولیت گشته‌اند به لحاظ وضعیت خاصی که دارند نیازمند حمایتی ویژه و متفاوت از سایر افراد جامعه هستند. با وجود این، شناسایی حقوق اشخاص دارای معلولیت در هر جامعه و حمایت واقعی از آن متأثر از عوامل اجتماعی مختلفی می‌باشد. وضعیت حمایت‌های حقوقی از اشخاص دارای معلولیت در سطح ملی و به فراخور هر کشور، و نیز در سطح جهانی از حیث اقداماتی که بویژه سازمان ملل متحد، سازمان جهانی بهداشت و دیگر سازمان‌های بین‌المللی جهانی در این زمینه انجام داده‌اند قابل نقد و بررسی است. اما با توسعه منطقه‌گرایی در جامعه بین‌المللی و پیشرفتهای حاصله در این زمینه بویژه در اروپای بعد از جنگ جهانی دوم، از نقش و تأثیری که نظام‌های منطقه‌ای در حمایت از حقوق اشخاص دارای معلولیت داشته و دارند نباید غفلت ورزید.

در قاره اروپا، حمایت از حقوق اشخاص دارای معلولیت فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشته تا به جایگاه فعلی خود رسیده است. در گذشته‌ای نه چندان دور برخورد با اشخاص دارای معلولیت در اروپا بسیار دهشتناک و غیرانسانی بود. اسپارته‌ها (یونانی‌های قدیم) به قتل رساندن اشخاص معلول را حق قانونی خود قلمداد می‌کردند و متأسفانه روحانیون مسیحی نیز در مقام توجیه این امر برمی‌آمدند. مارتین لوتر دستور قتل کودکان معلول را به این تصور صادر کرد که روح شیطان در آن کودکان حلول کرده؛ و در انگلستان اشخاص معلول تحت تأثیر منفی نظریه تکامل داروین مورد بی‌توجهی قرار داشتند. در آلمان نیز رژیم نازی برنامه قتل از روی ترحم (اتونازیا) را طبق طرح هیتلر جهت ریشه‌کنی اشخاص معلول به اجرا درآورد. هیتلر معتقد بود که اشخاص دارای معلولیت باری بر دوش جامعه بوده و سهمی در توسعه آن ندارند.^۱

علاوه بر این بروز جنگ‌های جهانی اول و دوم، بویژه در اروپا مصدومان و مجروحان زیادی را از خود به جای گذاشت که با معلولیت‌های جسمی و روانی مختلف دست به گریبان بودند. بنابر این انتظار می‌رفت که با پایان جنگ جهانی دوم و شروع روند بازسازی اقتصادی و اجتماعی و آغاز فرایند اتحاد در میان کشورهای اروپایی، توجهی مطلوب و واقعی به حقوق اشخاص دارای معلولیت و حمایت از آنان معطوف شود. امضای

1. cf. David Wright, *Mental Disability in Victorian England*, Oxford, 1998.

اساسنامه شورای اروپا در ۵ مه ۱۹۴۹ در لندن،^۲ امضای کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در ۴ نوامبر ۱۹۵۰ و متعاقباً تشکیل جوامع اروپایی و شکل‌گیری اتحادیه اروپا، امید به گسترش حمایت از حقوق اشخاص دارای معلولیت را افزایش داد. پس از بررسی مختصر روند شکل‌گیری و توسعه جوامع اروپایی، جایگاه حمایت از حقوق اشخاص دارای معلولیت در جامعه اروپا مورد توجه قرار خواهد گرفت.

مبحث اول: روند شکل‌گیری و توسعه جوامع اروپایی (اتحادیه اروپا)

جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵ - ۱۹۳۹) اروپا را با خسارات مادی و انسانی جبران‌ناپذیری مواجه ساخت. مصائب ناشی از جنگ بسیاری را به این باور رساند که باید با تقویت همکاری، و در نهایت ایجاد اتحاد میان کشورهای اروپایی، ریشه بروز جنگ‌های جهانی آینده در این قاره را خشکانند. البته به دلایل مختلف و از جمله وقوع جنگ سرد، اروپا به لحاظ سیاسی به دو بلوک شرق و غرب تقسیم شد. به همین دلیل حمایت مالی آمریکا تحت لوای طرح مارشال به کشورهای آسیب‌دیده از جنگ به اروپای غربی محدود گردید. در سال ۱۹۵۱ شش کشور اروپایی متشکل از آلمان غربی، فرانسه، ایتالیا، هلند، بلژیک و لوکزامبورگ معاهده پاریس را امضاء کرده و جامعه اروپایی زغال سنگ و فولاد را پدید آورده و مدیریت و راهبری تمام جنبه‌های تولید و توزیع زغال سنگ و فولاد را به جامعه تفویض کردند، نهادی که با برخورداری از شخصیت حقوقی بین‌المللی می‌توانست تصمیماتی لازم‌الاتباع و توصیه‌نامه‌هایی خاص اتخاذ نماید. بعداً کشورهای انگلستان، دانمارک، یونان، اسپانیا، ایرلند، اتریش، پرتغال، فنلاند و سوئد نیز به عضویت جامعه زغال سنگ و فولاد درآمدند.

در سال ۱۹۵۷ شش کشور مؤسس جامعه زغال سنگ و فولاد، طی کنفرانسی در رُم به ایجاد جامعه اقتصادی اروپا و جامعه اروپایی انرژی اتمی مبادرت ورزیدند. هدف جامعه اقتصادی اروپا ایجاد یک بازار مشترک، و هدف جامعه اروپایی انرژی اتمی ایجاد شرایط

۲. طبق بند «ب» ماده یک اساسنامه شورای اروپا هدف شورا توجه و بررسی مسائل مشترک، همکاری و عقد موافقتنامه‌های بین‌المللی در امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی، حقوقی، اداری و تحقق و اعتلای حقوق بشر و آزادی‌های اساسی می‌باشد. تاکنون ۴۷ کشور به عضویت شورای اروپا درآمده‌اند.

لازم برای ایجاد و توسعه سریع صنایع هسته‌ای بود. با انعقاد «معاهده ادغام» در سال ۱۹۶۵ نهادهای سه جامعه مشترک شدند. در اواخر دهه ۱۹۸۰ با پدیداری تحولاتی چند، زمینه مساعدی برای توسعه صلاحیتهای جوامع اروپایی که اکنون جامعه اروپا نامیده می‌شوند ایجاد گردید. گسترش همکاری میان کشورهای عضو و موجودیت یافتن شورای اروپا به امضای سند واحد اروپا در سال ۱۹۸۶ و انعقاد معاهده اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۲ در ماستریخت منجر گردید؛ و بدین نحو از همکاری و وحدت اقتصادی به سوی وحدت سیاسی، پولی و فرهنگی گام برداشته شد. معاهده آمستردام (۱۹۹۷) که در اول مه ۱۹۹۹ لازم‌الاجراء گردید اشتغال و تأمین حقوق شهروندان را به مسأله محوری اتحادیه مبدل ساخت و با تقویت امنیت، موانع جابه‌جایی افراد را برطرف نمود. معاهده نیس که در ۱۱ دسامبر ۲۰۰۰ به امضاء رسید و در دوم فوریه ۲۰۰۳ لازم‌الاجراء شد از جمله توسعه اتحادیه اروپا به کشورهای اروپای شرقی و مرکزی (گسترش کمی) را به تصویب رساند و بر این اساس از اول ژوئن ۲۰۰۴ کشورهای جمهوری چک، استونی، قبرس، لتونی، لیتوانی، مجارستان، مالت، لهستان، اسلوانی و اسلواکی به عضویت اتحادیه درآمدند. بیست و پنج کشور اروپایی در ۱۹ ژوئن ۲۰۰۴ بعد از حدود چهار سال مذاکره و چانه‌زنی بخصوص در مورد حدود اختیارات نهادهای اتحادیه اروپا و میزان آرای کشورهای مختلف عضو اتحادیه، در مورد قانون اساسی اتحادیه اروپا توافق حاصل نمودند. امضای قانون اساسی اتحادیه اروپا امید به اعمال اقتدارات بیشتر اتحادیه در میان کشورهای عضو و در سطح جهانی را افزون ساخته است.^۳ طبق اصلاحات جدید، جامعه اروپا از برخی صلاحیتهای در زمینه مسائل اجتماعی و حتی حقوق بنیادین برخوردار گشته است. جامعه اروپا علاوه بر اینکه قادر به صدور توصیه‌نامه‌ها و نظریه‌های غیرالزام‌آور است بلکه می‌تواند به وضع آئین‌نامه‌ها، دستورالعملها و یا اتخاذ تصمیمات مبادرت نماید که برای کشورهای عضو و دیگر نهادهای جامعه جنبه الزامی دارند. آئین‌نامه‌های جامعه (regulations) در کلیت خود ایجاد الزام می‌کنند و به همین سبب به طور مستقیم در کشورهای عضو قابل اعمال هستند. دستورالعملها (directions-directives) هر کشور مخاطب را از لحاظ نتیجه‌ای که باید به بار آورد ملزم

۳. با پیوستن بلغارستان و رومانی به اتحادیه اروپا، اکنون تعداد اعضای اتحادیه به ۲۷ کشور رسیده است. دولتهای کروواسی، مقدونیه و ترکیه نیز متقاضی عضویت در اتحادیه اروپا هستند.

می‌کند اما به محاکم ملی اختیار می‌دهد که هر صورت که مایل هستند آن را به اجرا درآورند. تصمیم (decision) قاعده‌ای است که فقط به لحاظ کشورهای مخاطب الزام‌آور است. به موجب معاهدات رُم فقط شورا و کمیسیون می‌توانند به وضع قواعد حقوقی یاد شده بپردازند.^۴

اگر کشور عضو از اجرای دستورالعمل صادره در مهلت مقرر شده استنکاف ورزد یا آن را به صورتی نامناسب به اجرا درآورد افراد می‌توانند نزد دادگاههای داخلی به آن بخش از مقررات دستورالعمل که از وضوح و صراحتی کافی برخوردار است استناد جویند. این اثر مستقیم دستورالعملها صرفاً به صورت افقی (horizontal) اعمال می‌شود یعنی افراد فقط می‌توانند به دستورالعمل اجرانشده علیه دولت ذریبط یا ارگان آن استناد جویند و نه علیه دیگر افراد. این امر در تقابل با اثر مستقیم آن دسته از مقررات معاهده قرار دارد که از وضوح و صراحت کافی برخوردارند. بنابراین این مقررات معاهده می‌تواند حقوقی به اشخاص اعطا نماید که آنها بتوانند نزد دادگاههای ملی علیه آن دولت و دیگر افراد به آن استناد جویند.

چهار نهاد اصلی جامعه آشکارا نقشی حیاتی در این نظام حقوقی ایفاء می‌نمایند. کمیسیون اروپایی به عنوان نهاد مسؤول خدمات اجتماعی جامعه مسؤول پیشنهاد مقررات جدید و نظارت بر اجرای آن، و گاه اجرای حقوق جامعه است. شورا متشکل از نمایندگان دولتهای عضو جامعه است و وظیفه مدیریت سیاسی را عهده دار است و نقش اصلی در حیطة اتخاذ قوانین (نقش تقنینی) را ایفا می‌کند. با وجود این، شورا در مورد نقش اخیر با پارلمان اروپایی که اعضای آن به طور مستقیم انتخاب می‌شوند مشارکت دارد. اصلاح معاهده رُم نقش بیشتری در روند تصمیم‌گیری به پارلمان واگذار کرده است و اکنون پارلمان نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. پارلمان نقشی سیاسی نیز بر عهده دارد و تلاش می‌کند فشارهای اخلاقی و سیاسی موجود در اروپا را به دیگر نهادها منتقل نماید. نهایتاً دیوان دادگستری اروپایی وظیفه تفسیر و اجرای حقوق جامعه را بر دوش می‌کشد. در زمینه اجرای حقوق جامعه، دیوان این نقش را به همراه دادگاههای ملی کشورهای عضو ایفا می‌نماید. دیوان از جمله با توسعه دکترینهای ناظر بر تأثیر مستقیم حقوق جامعه بر

۴. کلود آلبر کلییار، سازمانهای بین‌المللی، ترجمه و تحقیق هدایت‌الله فلسفی، تهران، نشر فاخته، چاپ اول،

نظام‌های ملی، و انتساب مسؤلیت به دولتهای عضو نقش مهمی در وحدت اروپا طی چند دهه گذشته داشته است.^۵

مبحث دوم: جایگاه حمایت از حقوق اشخاص دارای معلولیت در جامعه اروپا

هنگامی که در دهه ۱۹۵۰ جوامع اروپایی پای به عرصه وجود نهادند اهداف اقتصادی آن چنان مهم می نمود که توجه چندانی به حقوق اجتماعی و بنیادین اشخاص نشد و در نتیجه اشخاص دارای معلولیت و دیگر گروههای آسیب پذیر چندان مورد عنایت قرار نگرفتند. در این اسناد صرفاً تبعیض بر اساس تابعیت (ماده ۶ معاهده جامعه اقتصادی اروپا) میان کشورهای عضو منع گردید تا جابه جایی آزادانه کارگران تضمین شود. علاوه بر این پرداخت دستمزد مساوی در قبال کار یکسان برای مردان و زنان پیش‌بینی گردید (ماده ۱۱۹ معاهده جامعه اقتصادی اروپا) تا زمینه رقابت ناسالم حذف شود. به واقع کشورهای اروپایی از رهگذر این اسناد نه در مقام حمایت از حقوق افراد ذیربط، بلکه در صدد غلبه بر موانع اقتصادی موجود بر سر راه ایجاد بازار مشترک بودند و از جمله راههای نیل به این هدف تضمین جابه‌جایی آزادانه کارگران و رقابت منصفانه بود.

با وجود اینکه در معاهدات اروپایی ۱۹۵۱ و ۱۹۵۷ از حق اشتغال و آموزش سخنی به میان نیامد اما امید آن بود که در بازار مشترک، اشتغال توسعه یابد و اشخاص دارای معلولیت نیز بتوانند در اروپای جدید شرکت جویند. با اینحال این امر محقق نگردید و فکری برای از میان برداشتن موانعی که اشخاص معلول با آن دست به گریبان بودند نشد. علاوه بر این اهداف اقتصادی جامعه اروپا تا حدی دلالت بر آن داشت که مسائل اجتماعی از جمله مسأله تبعیض علیه اشخاص دارای معلولیت کاملاً خارج از صلاحیتهای جامعه است.

بعدها به تدریج وضعیت تغییر کرد. اولین معاهده اصلاحی یعنی سند اروپای واحد مصوب ۱۹۸۶ صلاحیتهای بیشتری به جامعه اعطا نمود، صلاحیتهایی که برای تکمیل

۵. مایک کاتبرت، حقوق اتحادیه اروپا، ترجمه بهروز اخلاقی، وحید اشتیاق و پرویز پرویزیان، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهردانش، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۶۱-۴۳.

پروژه بازار مشترک لازم تلقی می‌شد. منشور جامعه اروپا در مورد حقوق بنیادین اجتماعی کارگران (مورخ ۹ دسامبر ۱۹۸۹)، با بیان حقوق اشخاص دارای معلولیت اعلام داشت که انتظار می‌رود دولتهای عضو جامعه برای اعتلای جذب اجتماعی و حرفه‌ای اشخاص معلول اقدامات لازم را اتخاذ نمایند. با وجود این، همواره در مورد صلاحیت قانونی جامعه اروپا برای قانونگذاری در مورد حقوق اجتماعی اشخاص دارای معلولیت تردید وجود داشت.^۶ اصلاحیه‌های بعدی که در صدد ایجاد اتحادیه اروپا بودند (یعنی معاهده ماستریخت ۱۹۹۲ و معاهده آمستردام ۱۹۹۷) جامعه اروپا را به شهروندان نزدیکتر ساخته و فرایند تصمیم‌گیری را ساده‌تر کردند. با امضای معاهده آمستردام برای اولین بار اشخاص دارای معلولیت به‌طور مستقیم مورد توجه قرار گرفتند و این موضع اتخاذ گردید که در نظام حقوقی جامعه اروپا اشخاص دارای معلولیت دیگر شهروندان فراموش شده نیستند.

بند اول: توسعه خط مشی جامعه اروپا در مورد معلولیت

جامعه اروپا فقط دارای صلاحیتهایی است که دولتهای عضو به آن تفویض کرده‌اند و این صلاحیتهای ابتدا اقتصادی بود. حتی معاهده ۱۹۹۷ آمستردام اشاره‌ای به معلولیت ندارد و از اینرو جامعه دشوار بتواند به توسعه نوعی خط‌مشی در مورد معلولیت در کشورهای عضو مبادرت ورزد. به همین خاطر ابتکاراتی که در این زمینه صورت گرفته اصولاً در قالبهای حقوقی غیرالزام‌آور بوده است^۷ (مثل توصیه‌نامه‌ها، مکاتبات کمیسیون یا گزارشهای پارلمانی) یا در شکل برنامه‌های عملی جهت تبادل و نشر اطلاعات.^۸

با وجود این، به رغم عدم اشاره به معلولیت در معاهده اروپا، جامعه به ابتکاراتی جهت تأمین حقوق اشخاص دارای معلولیت مبادرت ورزیده که اغلب به نفع اروپایی‌های دارای معلولیت است و بویژه مختص آنهاست که در صددند به لحاظ اقتصادی فعال باشند.

-
6. Brian J. Doyle, *Disability Discrimination, Law and Practice*, Jordans, 2003, p. 4.
 ۷. به واقع جامعه اروپا جهت حمایت از اشخاص دارای معلولیت، ابتدا در قالب حقوق نرم و قوام‌نیافته به این موضوع توجه نمود. برای مطالعه بیشتر، نک: *Ibid.*, pp. 4 et seq.
8. Lisa Waddington, "The European Community's Response to Disability", in Melinda Jones and Lee Ann Basser Marks (eds), *Disability, Divers - Ability and Legal Change*, Martinus Nijhoff, 1999, p. 141.

۱. برنامه‌های جامعه اروپا در زمینه اشخاص دارای معلولیت

اولین مصوبات جامعه اروپا در مورد اشخاص دارای معلولیت در قالب «برنامه‌های اقدام» تجلی یافتند که نباید از اهمیت و نقش آنها در این زمینه غفلت ورزید. هدف این برنامه‌ها اعتلای تبادل اطلاعات و بهبود رویه‌ها بوده است.^۹ هدف اولی از رهگذر ایجاد شبکه‌های متنوع اروپایی، تمرکز بر روی موضوعات ویژه بود یعنی ایجاد یک سیستم اطلاعات چند زبانه کامپیوتری موسوم به «هندی‌نت» (Handynet) مخصوص توزیع و پخش گزارش‌های خبری و ایجاد یک صندوق برای کنفرانسها و سمینارهای ذیربط. برنامه‌های اقدام «هلی یوس یک» (۱۹۸۸-۱۹۹۲) و «هلی یوس دو» (۱۹۹۶-۱۹۹۳) توسعه جدی سازمانهای غیردولتی فعال در حوزه اشخاص دارای معلولیت را تشویق نمود و یک مکانیسم مشورتی رسمی جهت مشاوره با این سازمانها پدید آوردند. برنامه‌های «هلی یوس» بسیار مؤثر بود و نقش مهمی در حمایت از اقشار آسیب‌پذیر ایفا نمود.^{۱۰}

۲. نشر اطلاعات: شبکه‌های اروپایی و «هندی‌نت»^{۱۱}

نشر و اشاعه اطلاعات همیشه یکی از اهداف مهم برنامه‌های اقدام جامعه اروپا درباره اشخاص دارای معلولیت بوده است. این امر از چند طریق محقق شده است.

الف - شبکه‌های اروپایی: چهار برنامه اقدام در مورد شبکه‌های اروپایی هر یک موضوعاتی خاص را مطمح نظر قرار دادند. اولین برنامه‌ها طی سالهای ۱۹۷۰-۱۹۸۰ انحصاراً روی مسأله اشتغال تمرکز جستند و شبکه‌ای از مراکز توانمندسازی (بازپروری) و آموزش حرفه‌ای و جذب اقتصادی اشخاص دارای معلولیت فراهم نمودند. علاوه بر این بعدها به مسأله جذب اجتماعی (social integration) و حیات و زندگی مستقل اشخاص دارای معلولیت نیز توجه شد. این امر توسعه نگرشها و درک جامعه نسبت به معلولیت و نیاز به یک نگرش جامع (کل‌نگر) را خاطر نشان ساخت.

9. *Ibid.*, p. 142.

۱۰. اولین برنامه اقدام جامعه که در سال ۱۹۸۱ به تصویب کمیسیون اروپایی رسید در صدد بود تا با تبادل اطلاعات و در پیش گرفتن رویه مناسب و مطلوب در امر آموزش و اشتغال اشخاص دارای معلولیت وضعیت این اشخاص را در کشورهای عضو جامعه اروپا بهبود بخشد و زمینه جذب اجتماعی آنها را فراهم آورد.

Community Social Action Programme on the Social Integration of Handicapped People, 1983-88, OJ 1981 C347/1.

11. Lisa Waddington, *op. cit.*, pp. 142-143.

این شبکه‌ها تبادل اطلاعات از طریق بازدیدها و کنفرانسهای مطالعاتی را تشویق نمودند تا رویه‌ها و عملکردها بهبود یابد. اعضای شبکه‌ها به وسیله دولتهای عضو جامعه انتخاب می شدند و متشکل از مراکز توانمندسازی، نهادهای آموزشی و... بودند. کمیسیون اروپایی گروهی از کارشناسان را مأمور نظارت و مراقبت بر برنامه‌های ذریط نمود. این کارشناسان عملکرد شبکه‌ها را هدایت کرده و نقشی مهم در انتخاب موضوعات محوری سالانه و اشاعه اطلاعات به اعضاء ایفا می کردند. طبق اولین برنامه‌های اقدام، کمیسیون برخی از هزینه‌های مراکز مشارکتی را پوشش داد و نیز هزینه بازدیدها و کنفرانسها را پرداخت نمود.

ب - **هندی‌نت:** در سال ۱۹۸۳ طبق اولین برنامه اقدام، جامعه اروپا راجع به سازگاری اجتماعی اشخاص دارای معلولیت (۱۹۸۳-۱۹۸۸) کار خود را در مورد پروژه «هندی نت» آغاز نمود. این پروژه، برنامه‌ای بلندمدت به منظور ایجاد یک سیستم اطلاع‌رسانی کامپیوتری چند زبانه راجع به مسائل معلولیت در سراسر جامعه اروپا می باشد. در دو برنامه بعدی «هللی یوس» نیز از پروژه «هندی نت» حمایت به عمل آمد با وجود این، روند پیشرفت کند بود و پروژه برای اشخاص دارای معلولیت پرهزینه و نسبتاً ناآشنا قلمداد شد. این امر پارلمان اروپایی را بر آن داشت که بارها از این پروژه انتقاد کند. در نتیجه در سال ۲۰۰۲ دستورالعمل خدمات فراگیر در زمینه مخابرات الکترونیک به تصویب کمیسیون رسید که بر اساس ماده ۷ آن همه شهروندان از جمله اشخاص دارای معلولیت باید به خدمات مخابراتی دسترسی داشته باشند.^{۱۲} شایان ذکر است که این اقدام شورا مورد پشتیبانی «زیرگروه پارلمان اروپایی در مورد معلولیت» قرار گرفته است، بویژه از آن جهت که مفاد ماده ۷ «دستورالعمل خدمات فراگیر» موانع فراروی اشخاص دارای معلولیت را از میان برمی دارد.^{۱۳} به نظر می‌رسد که «دیدگاه اخیر بسی فراتر از نگاه قوانین سنتی راجع به تبعیض می باشد قوانینی که به افراد صرفاً حق تعقیب اعطا می نمود. فلسفه سیاسی دیدگاه اخیر جذب اجتماعی اشخاص دارای معلولیت در جامعه است. چنین سیاستهایی می تواند با تحمیل تکالیف اثباتی بر کارفرمایان و دیگر نهادهای عمومی جهت اعتلای برابری گسترش یابد.»^{۱۴} در حقیقت «دولتها به صرف اجتناب از اقدامی که ممکن است

12. Directive 2002/22/EC (Universal Service Directive), OJ 2002 L 108/5.

13. see www.edf_feph.org/apdg/index_en.htm

14. Damian Chalmers et al, *European Union Law*, Cambridge, 2006, p. 925.

باعث تبعیض یا منتج به اثری سوء بر اشخاص دارای معلولیت گردد به تعهد خود عمل نکرده‌اند، بلکه در مورد این اقشار آسیب‌پذیر و محروم، آنچه که ضروری است اتخاذ اقدامات مثبت برای کاهش محرومیت‌های ساختاری و نیز برخورد ترجیحی با این اشخاص به منظور حصول مشارکت کامل و برابر آنان در جامعه است»^{۱۵}.

بند دوم: مشارکت دادن اشخاص دارای معلولیت در فرایند تصمیم‌گیری‌ها

برنامه‌های اولیه اقدام به درستی از این حیث مورد انتقاد قرار گرفتند که اشخاص معلول را در فرایند تصمیم‌گیری مشارکت نداده بودند. برنامه «هللی‌یوس دو» و برنامه‌های بعدی تأکید زیادی بر درگیر کردن اشخاص معلول در تمام فعالیتها داشتند. برنامه «هللی‌یوس یک» صرفاً بر مشاوره با نمایندگان اشخاص دارای معلولیت از رهگذر گروهی که متشکل از دو نماینده از هر دولت عضو جامعه، ۹ نماینده از میان اشخاص دارای معلولیت و یک نماینده از میان کارگران و کارفرمایان بود می‌باشد. با وجود این، گروه مشاور اصلی کمیته مشورتی فقط متشکل از نمایندگان دولتهای عضو بود. این سیستم مورد انتقاد پارلمان اروپایی و دیگر نهادهای اروپایی قرار گرفت.

برنامه «هللی‌یوس دو» سیستم مشاوره‌ای دقیقتری دارد. این برنامه سه نهاد متشکل از نمایندگان سازمانهای غیردولتی، دولتهای عضو و گروههای ذیربط دارد. مهمترین نهاد، «مرجع اروپایی معلولیت»^{۱۶} می‌باشد که متشکل از ۲۴ نماینده از میان سازمانهای غیردولتی است که توسط کمیسیون انتخاب می‌شوند. این مرجع رکنی مستقل است و مأموریت دارد در سطح اروپا به فعالیت پردازد. مرجع مزبور با کمیسیون، پارلمان اروپایی و دیگر نهادهای جامعه رایزنی می‌کند.

بند سوم: ابتکارات و حوزه‌های اقدام در مورد اشخاص دارای معلولیت

۱. اشتغال: اولین سندی که در جامعه اروپا بالصراحه معلولیت را مورد توجه قرار داد «توصیه‌نامه و رهنمود راجع به اشتغال» بود. این توصیه‌نامه در ژوئیه ۱۹۸۶ به عنوان سندی

15. Committee on Economic, Social and Cultural Rights, General Comment 5 (Persons with disabilities), 9 December 1994, para. 9. cf Matthew Craven, *The International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights*, Oxford, 1998, pp.xiii-xv.

16. European Disability Forum.

غیرالزامی اتخاذ شد و به دولتهای عضو توصیه نمود که برای اعتلای اشتغال اشخاص دارای معلولیت چه اقداماتی را در پیش گیرند. این سند به اعتلای فرصتهای مناسب برای اشخاص دارای معلولیت اشاره می‌کند. منضم به این توصیه‌نامه، دستورالعملی است که اقدامات مثبت جهت اعتلای اشتغال و آموزش حرفه‌ای اشخاص دارای معلولیت را مورد توجه قرار داده است. متن این دستورالعمل نسبتاً دقیق است و عباراتی واضح در مورد اقداماتی که دولتهای عضو باید اتخاذ نمایند در بر دارد مثل ایجاد شغل، تأمین اجتماعی، و تشکیل سازمانهای کارگری و کارفرمایی.^{۱۷}

این اولین ابتکار با موفقیت زیادی قرین نگشت. پارلمان اروپا این توصیه‌نامه را به علت آنکه بیش از حد کلی بود مورد انتقاد قرار داد.^{۱۸} بر این اساس در سال ۲۰۰۰ شورای اروپایی «دستورالعمل کادر» را به تصویب رساند که چارچوبی کلی در مورد اشتغال اشخاص دارای معلولیت را مقرر داشت.^{۱۹} بر اساس ماده ۵ این دستورالعمل به منظور تأمین رعایت اصل رفتار مساوی در ارتباط با اشخاص دارای معلولیت، باید همسازی معقول صورت پذیرد. بر این اساس کارفرمایان در صورت لزوم اقدامات مناسب اتخاذ خواهند نمود تا شخص دارای معلولیت را جهت دسترسی یا مشارکت یا پیشرفت در شغل یا آموزش ضمن اشتغال قادر سازند مگر آنکه چنان اقداماتی تحمیلی نامتناسب بر کارفرما قلمداد شود. در صورتی که کارفرما به واسطهٔ پیش‌بینی‌های مقرر در قانون داخلی کشور ذیربط در قبال آن اقدامات به جبرانهای کافی دست یابد اقدامات مذکور نامتناسب تلقی نمی‌گردد.^{۲۰}

۲. حمل و نقل: عدم موفقیت نسبی در مورد اجرای سند غیرالزامی قبلی، کمیسیون اروپایی را بر آن داشت تا پیشنهاد کند که سند بعدی آن در قالب دستورالعمل جامعه اتخاذ شود. در سال ۱۹۹۱ کمیسیون دستورالعملی را در مورد حداقل شرایط پیشرفت حرکتی و حمل و نقل (جابه‌جایی) امن جهت اشتغال کارگران دارای نقصهای حرکتی پیشنهاد کرد. این پیشنهاد بر ماده ۱۱۸ (الف) معاهده جامعه اروپا مبتنی بود که اقدامات

17. The Employment situation of people with Disabilities in the European Union, European Commission, 2001, http://www.edf_feph.org/en/policy/human_rights/hr_news_co.htm

18. Lisa Waddington, *op. cit.*, p. 145.

19. Dir. 2000/78/EC establishing a general framework for equal treatment in employment and occupation [2000] OJL. 303/16 (Framework Directive).

20. See Nigel Foster., *Blackstone's EC Legislation 2005-2006*, Oxford University Press, 2005, pp. 350-359.

ضروری جهت اعتلای سلامتی و ایمنی کارگران را اجازه می‌داد. پیش‌نویس دستورالعمل سه شکل از حمل و نقل برای کار را پوشش می‌داد: حمل و نقل عمومی، حمل و نقل فراهم شده توسط کارفرما، و سرویسهای حمل و نقل ویژه اشخاص دارای معلولیت. هدف آن است که تضمین شود صرف نظر از شکل حمل و نقل، وسیله نقلیه ایمنی داشته باشد. گرچه سه شیوه پیشنهاد شده بود ولی ترجیح کمیسیون با وسایط نقلیه عمومی بود. اگر وسایط نقلیه عمومی جهت استفاده اشخاص دارای معلولیت برای نقل و انتقال به محل کار و بالعکس تعبیه شود سایر اشخاص دارای معلولیت نیز می‌توانند از آن استفاده کنند. متأسفانه کمیسیون نتوانست دستورالعملی را پیشنهاد کند که مستقیماً برای نیل به این اهداف عام مناسب باشد زیرا معاهده مبنای حقوقی مناسبی برای این امر فراهم نمی‌آورد، به همین خاطر کمیسیون این مسیر غیرمستقیم را برگزید و به سلامتی و ایمنی کارگران توجه نمود. متأسفانه دستورالعمل کمیسیون در شورا با مخالفت دولتهای عضو مواجه شد و ماده ۱۱۸ مکرر معاهده اتحادیه اروپا به عنوان مبنای حقوقی نامناسبی قلمداد گردید.^{۲۱}

در ژوئیه ۱۹۹۶ کمیسیون سندی را در مورد برابری فرصت برای اشخاص دارای معلولیت اتخاذ نمود. این اولین استراتژی جامع جامعه اروپا بود که توسط کمیسیون ارائه شد. این سند ملهم از قواعد استاندارد ملل متحد راجع به برابری فرصتها برای اشخاص دارای معلولیت بود.^{۲۲} کمیسیون تلاش نمود با این متن به جذب اجتماعی اشخاص دارای معلولیت و اعطای فرصتهای برابر به آنها مبادرت ورزد.

در دسامبر همان سال شورا قطعنامه‌ای را در مورد برابری فرصت برای اشخاص دارای معلولیت تصویب نمود. در این سند شورا تعهد خود به اصول و قواعد استاندارد ملل متحد ابراز داشت و از اصول برابری فرصت و رفع تبعیض منفی بر اساس معلولیت حمایت نمود و از دولتهای عضو، کمیسیون و دیگر نهادهای جامعه درخواست کرد اقدامات لازم همگام با این قطعنامه را اتخاذ نمایند. بر همین اساس در ۲۰ نوامبر ۲۰۰۱ شورای اروپایی دستورالعملی را به تصویب رساند که طبق آن در مورد آن دسته از وسایل موتوری حمل و

21. Lisa Waddington, *op. cit.*, p. 146.

۲۲. قواعد استاندارد بر پایه برابری فرصتها برای اشخاص دارای معلولیت مبتنی بر تجارب به‌دست آمده در دهه حقوق اشخاص دارای معلولیت ۱۹۹۳-۱۹۸۳ تدوین شده است. نک: نسرین مصفا، «اقدامات بین‌المللی در حمایت از حقوق اشخاص دارای معلولیت»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۵۸، ۱۳۸۱، صص ۲۶۲-۲۶۰.

نقل مسافر که اضافه بر صندلی راننده، بیش از هشت صندلی دارند تمهیدات ویژه‌ای در مورد اشخاص دارای معلولیت پیش‌بینی شده تا این وسایل به سهولت برای اشخاص دارای معلولیت قابل دسترسی و استفاده باشد.^{۲۳} در سال ۲۰۰۶ شورا آئین‌نامه شماره ۱۱۰۷ در مورد حقوق اشخاص دارای معلولیت و افراد کم‌توان به هنگام مسافرت با هواپیما را به تصویب رساند. این آئین‌نامه اولین مصوبه قانونگذاری اروپایی است که اشخاص دارای معلولیت را در سطحی برابر با اشخاص غیرمعلول قرار می‌دهد. بر اساس این آئین‌نامه تعهداتی متوجه مسؤولان فرودگاهها می‌شود تا به رایگان به اشخاص دارای معلولیت کمک نموده و دسترسی آنها به امکانات مختلف را تضمین نمایند.^{۲۴}

۳. **صندوق اجتماعی اروپایی:**^{۲۵} در راستای حمایت از اشتغال و آموزش حرفه‌ای اشخاص دارای معلولیت پروژه «هاریزون» (Horizon) یکی از پروژه‌هایی بود که توسط این صندوق به منظور حمایت از اشخاص دارای معلولیت به اجرا درآمد.

بند چهارم: تغییرات ایجاد شده به وسیله معاهده آمستردام (۱۹۹۷)

معاهده جدید آمستردام که در سال ۱۹۹۷ امضاء، و در سال ۱۹۹۹ لازم‌الاجرا شد برای اولین بار در قالب معاهدات راجع به جوامع اروپایی به معلولیت اشاره کرد. اولین و مهمترین اشاره در قالب قید عدم تبعیض در ماده ۱۳ اینگونه مقرر شد:

«بدون خدشه به دیگر مواد این معاهده و در محدوده اختیارات تفویض شده به جامعه، شورا به اتفاق در مورد پیشنهاد کمیسیون و پس از مشاوره با پارلمان اروپایی تصمیم می‌گیرد و می‌تواند اقدامات مناسب برای مبارزه با تبعیض براساس جنس، نژاد یا منشأ قومی، مذهب یا عقیده، معلولیت و... را اتخاذ کند».

اندراج معلولیت در این ماده به فال نیک گرفته شد. با اینحال مقررره جدید عدم تبعیض، فی نفسه حقوقی مستقل به اروپایی‌های معلول اعطا نمی‌کند بلکه صرفاً تبعیض علیه آنها را منع می‌نماید. شرط عدم تبعیض دارای اثر مستقیم نیست و مقید به اقدام

23. Directive 2001/85/EC.

24. Commission of the European Communities Brussels, 26.11.2007 Communication from the Commission to the Council, The European Parliament, The European Economic and Social Committee and the Committee of the Regions: Situation of disabled people in the European Union: the European Action Plan 2008-2009 {SEC(2007)1548}, p. 6.

25. European Social Fund.

بعدی نهادهاست.

اشاره دیگر به معلولیت در اعلامیه‌ای آمد که به معاهده آمستردام ضمیمه شد: کنفرانس توافق دارد که در اتخاذ اقدامات موضوع ماده ۹۵ نهادهای جامعه نیازهای اشخاص دارای معلولیت را مورد توجه قرار می‌دهند.

این امر کمک می‌نماید که نیازهای اشخاص دارای معلولیت نیز در زمینه تنظیم بازار داخلی مشترک مورد توجه قرار گیرد. با وجود این، چنین اعلامی خود فاقد اثر حقوقی است و نمی‌توان بر اساس آن دعوایی را نزد دیوان دادگستری اروپا مطرح نمود. به هر حال این دو تغییر را باید مثبت ارزیابی نمود.

طبق دستورالعمل شورای اروپا به شماره ۲۰۰۰/۴۳ تبعیض بر اساس نژاد و قومیت در اشتغال، آموزش، تأمین اجتماعی، مراقبت پزشکی، دستیابی به کالاها و خدمات و مسکن منع گردید. این دستورالعمل مقرر می‌نماید که قربانیان تبعیض حق دارند در هر دولت عضو اتحادیه گرامت دریافت کنند. همچنین بر اساس دستورالعمل ۲۰۰۰/۷۸ شورای اروپا مورخ ۲۷ نوامبر ۲۰۰۰ تبعیض در اشتغال از جمله بر اساس معلولیت ممنوع است. این دستورالعمل حقوق اساسی حمایتی را مقرر می‌دارد و کارفرمایان را ملزم می‌سازد که اقداماتی معقول برای رفع نیازهای اشخاص دارای معلولیت به عمل آورند.

در سوم دسامبر ۲۰۰۱ همزمان با روز اروپایی اشخاص دارای معلولیت، وزرای اشتغال و امور اجتماعی اتحادیه اروپا به اتفاق آرا سال ۲۰۰۳ را به عنوان سال اشخاص دارای معلولیت در اروپا اعلام کردند.

همانگونه که ملاحظه می‌گردد در سالهای اخیر تغییرات مهمی در سطح سیاست جامعه اروپا در مورد معلولیت پدید آمده است، ولی هنوز اقدامات زیادی باید در سطح جامعه اروپا انجام گیرد.^{۲۶}

۲۶. شایان ذکر است که در ۷ دسامبر ۲۰۰۰ منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپا به امضا رسید. در ماده ۲۱ منشور در زمره علل ممنوعه تبعیض به «معلولیت» اشاره شده است. علاوه بر این ماده ۲۶ تحت عنوان جذب معلولان اعلام می‌دارد که اتحادیه این حق را برای معلولان به رسمیت شناخته و محترم می‌شمارد که از تدابیری که به منظور تأمین استقلال، جذب شغلی، اجتماعی و مشارکت آنها در زندگی اجتماعی اتخاذ شده، استفاده نمایند. برای ملاحظه ترجمه فارسی متن منشور، نک: مهریار داشاب، «منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپا (۷ دسامبر ۲۰۰۰)»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، ش ۱۳، ۱۳۸۳، صص ۱۸۹-۱۶۹.

بند پنجم: اشخاص دارای معلولیت و توسعه حقوق بشر در اروپا

تعرضاتی که در طول جنگ جهانی دوم در قاره اروپا به حقوق و آزادی‌های اساسی افراد صورت گرفت باعث شد که اندک زمانی پس از امضای اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) کشورهای اروپایی در ۴ نوامبر ۱۹۵۰ در رُم به تنظیم و امضای کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مبادرت ورزند. این کنوانسیون که از سوم سپتامبر ۱۹۵۳ به اجرا درآمد تاکنون به تصویب ۴۷ کشور عضو شورای اروپا رسیده و با پروتکل‌های مختلف (۱۴ پروتکل) تکمیل شده است.^{۲۷}

طبق ماده ۱۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، برخورداری از حقوق و آزادی‌های مقرر در کنوانسیون باید بدون تبعیض از هر حیث از قبیل جنس، نژاد، رنگ، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا عقیده دیگر، منشأ ملی یا اجتماعی، تعلق به یک اقلیت ملی، ثروت، تولد یا هر وضعیت دیگری تأمین شود. همانگونه که ملاحظه می‌شود کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بدون اینکه به اشخاص دارای معلولیت به صورت مستقل توجه نماید از رهگذر اصل عدم تبعیض آنها را تحت پوشش قرار داده است. از سوی دیگر «دیوان اروپایی حقوق بشر»، فارغ از عدم توجه مستقیم کنوانسیون به اشخاص دارای معلولیت، این کنوانسیون را از رهگذر تفسیر همگام با مفاهیم متحول حقوق بشر در سطح بین‌المللی به پیش برده است و کنوانسیون از این حیث در خلأ قرار نمی‌گیرد. دیوان خود مخلوق شورای اروپاست و بدیهی است که دیگر مصوبات شورا در مورد اشخاص دارای معلولیت و حقوق بشر بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند.^{۲۸} با وجود این، باید گفت که در رابطه اشخاص دارای معلولیت حقوق مندرج در کنوانسیون از جامعیت کمتری نسبت به قوانین داخلی برخوردار است. بر همین اساس در سوم سپتامبر ۲۰۰۳ پارلمان اروپایی قطعنامه شماره ۲۷۴ را در مورد حقوق بشر در جهان اتخاذ نمود که طی آن برای اولین بار بخش جداگانه‌ای به حقوق بشر اشخاص دارای معلولیت اختصاص یافت (بندهای ۲۰۲ الی ۲۰۷). این بخش به علت گزارشهای کمیته عفو بین‌الملل و مرکز دفاع از اشخاص دارای معلولیت ذهنی در قطعنامه

۲۷. برای مطالعه بیشتر، نک: سیدقاسم زمانی، امیرساعده وکیل و پوریا عسکری، نهادها و سازوکارهای منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهردانش، ۱۳۸۶، صص ۱۳۱-

۲۳

28. Peter Bartlett, Oliver Lewis & Oliver Thorold, *Mental Disability and the European Convention on Human Rights*, Martinus Nijhoff, 2007, p. 23.

گنجانده شد. طبق آن گزارشها تعرض به حقوق بشری اشخاص دارای معلولیت از ابعاد گسترده‌ای برخوردار بوده است. پیرو این امر کمیته وزیران شورای اروپا در ۲۲ سپتامبر ۲۰۰۴ توصیه‌نامه‌ای را در مورد حقوق بشر و کرامت اشخاص دارای اختلال روانی به تصویب رساند.^{۲۹}

با وجود مصوبات فوق، از این واقعیت نیز نباید غافل شد که «هرچند دیوان اروپایی حقوق بشر یک نهاد منفعل از حیث پرونده‌هایی است که به آن ارجاع می‌شود و نمی‌تواند رأساً و مستقیماً به تعقیب و پیگیری نقض کنوانسیون بپردازد. با وجود این، نحوه نگرش دیوان به واژه «قربانی» (victim) مانعی غیرموجه در راه حمایت از افرادی ایجاد می‌کند که نیازمند حمایت هستند. زمانی که صرفاً اقوام نزدیک حق دارند به هنگام ناتوانی قربانی در دیوان اقامه دعوا کنند بسیاری از اشخاص دارای معلولیت روانی مقیم بیمارستانها یا در مراکز نگهداری، ارتباطشان با خانواده قطع می‌باشد و حتی ممکن است خانواده خود را از دست داده باشند. البته اندک پیشرفتی در این زمینه حاصل شده است و آن اینکه قیّم می‌تواند در مورد حقوق مولی‌علیه در دیوان اقامه دعوا کند اما چنین امری کافی نیست زیرا بسیاری از اشخاص دارای معلولیت روانی فاقد قیّم هستند.»^{۳۰} به هر حال «اگر قرار است حقوق بین‌الملل بشر ابزاری مؤثر در جهت تضمین زندگی مستقل اشخاص دارای معلولیت باشد و نابرابری‌های اجتماعی آنها را مورد توجه قرار دهد باید رهیافتی سیستماتیک‌تر از آنچه که تاکنون وجود داشته است در پیش گرفته شود»^{۳۱}.

نتیجه‌گیری

تلقی اشخاص دارای معلولیت به‌عنوان تابع و نه موضوع (subjects rather than objects) متضمن آن است که به آن اشخاص بهره‌مندی کامل آزادی‌های اساسی که غالب مردم از آن متمتع هستند با احترام کامل و با توجه به تفاوت‌هایشان اعطا شود و از این منظر به

۲۹. تمام انسانها از کرامت ذاتی برخوردارند و از این حیث هیچ فردی غیرمهم نیست. ابنای بشر نه به لحاظ سلامتی جسمی و روانی یا هر ملاحظه‌ای دیگر، بلکه به خاطر انسان بودنشان دارای ارزشی قائم به ذات هستند.

30. Peter Bartlett et al, *op. cit.*, p. 255.

31. Susan Marks and Andrew Clapham, *International Human Rights Lexicon*, Oxford, 2005, p. 120.

اشخاص دارای معلولیت نباید به عنوان معضل جامعه نگریسته شود.^{۳۲} به دلایل مختلف در سالهای پس از جنگ دوم جهانی، قوانین مختلفی در حمایت از حقوق اشخاص دارای معلولیت در اکثر کشورهای اروپایی مورد تصویب قرار گرفته است، با اینحال جامعه اروپا اصولاً توجه خود را به مسائل اقتصادی معطوف داشت و بیشتر به لحاظ حق اشتغال به حقوق اشخاص دارای معلولیت توجه نمود. با وجود این، باید توجه داشت که اعمال تبعیض نسبت به اشخاص دارای معلولیت صرفاً به حوزه اشتغال محدود نشده و اشخاص دارای معلولیت در استفاده از وسایط نقلیه عمومی، آموزش، و دستیابی به کالاها و خدمات نیز نیازمند حمایتی ویژه هستند.

اشخاص دارای معلولیت در اروپا با الهام از قانون ایالات متحد آمریکا در مورد معلولیتها (۱۹۹۰) خواستار یک سند جامع راجع به حمایت از اشخاص دارای معلولیت هستند. اقداماتی که در چند سال اخیر صورت گرفته و بویژه گسترش حوزه صلاحیت اتحادیه اروپا از رهگذر معاهدات ماستریخت، ۱۹۹۲ آمستردام ۱۹۹۷ و نیس ۲۰۰۰ به مسائل اجتماعی... امید به اتخاذ چنین سندی را افزون ساخته است بویژه آنکه قطعنامه‌های قبلی زمینه این امر را فراهم کرده‌اند.

اگر جامعه اروپا تاکنون به صورتی مؤثر به حقوق اشخاص دارای معلولیت توجه نکرده این امر را باید مرهون پیشرفت حقوق اشخاص دارای معلولیت در اروپا از رهگذر قوانین ملی و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، و ساز و کار آن یعنی دیوان اروپایی حقوق بشر دانست. به واقع حصر اصولی صلاحیت جامعه اروپا به مسائل اقتصادی به آن معنا نیست که حقوق اشخاص دارای معلولیت به طور کلی نادیده گرفته شده، اما تلاش آن است که با سوق دادن جامعه اروپا به سوی حمایت از حقوق اشخاص دارای معلولیت، تضمین حقوق این اشخاص آسیب پذیر را در حیطه صلاحیت دیوان دادگستری اروپایی قرار دهند.

در مارس ۲۰۰۷ شورای اروپایی تصمیم گرفت که اعضای اتحادیه اروپا هر چه سریعتر کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به حقوق اشخاص دارای معلولیت (۲۰۰۶) را به

32. Gerard Quinn and Theresia Degener, "The moral authority for change: human rights values and the worldwide process of disability reform", in Gerard Quinn and Theresia Degener et al., *Human Rights and Disability, The current use and future potential of United Nations human rights instruments in the context of disability*, United Nations, 2002, p. 13.

تصویب برسانند،^{۳۳} با اینحال کنوانسیون و پروتکل الحاقی آن، که در سوم مه ۲۰۰۸ لازم‌الاجراء گشته‌اند، طبق آخرین آمار ارائه شده (مورخ ۱۹ اوت ۲۰۰۸) فقط از تصویب دو عضو اتحادیه اروپا (مجارستان و اسلوانی) گذشته است و جامعه اروپا و دیگر اعضای اتحادیه اروپا هنوز به تصویب کنوانسیون و پروتکل الحاقی آن مبادرت نکرده‌اند.

به هر حال نباید فراموش کرد که این وفاق عمومی در میان کشورهای عضو جامعه اروپا ایجاد شده است که معلولیت نباید به محرومیت منتهی شود. بدیهی است که احقاق حقوق نادیده انگاشته شده اشخاص دارای معلولیت به صرف وضع مقررات ملی، منطقه ای و حتی جهانی محقق نخواهد شد. این امر مستلزم تغییر در نگرش جامعه نسبت به اشخاص معلول و بسیج تمام امکانات فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و البته حقوقی جامعه است. به نظر می‌رسد که هر چند شماری از کشورهای اروپایی بویژه سوئد، آلمان، فرانسه و انگلستان، مشابه ژاپن و ایالات متحد آمریکا پیشرفته‌های قابل توجهی را در حمایت از حقوق اشخاص دارای معلولیت پشت سر گذاشته‌اند اما گسترش جامعه اروپا به شرق و مرکز اروپا، بیست و هفت کشور اروپایی با سطوح حمایتی متفاوت از حقوق اشخاص دارای معلولیت را گرد هم آورده است و جامعه اروپا برای حمایت شایسته و بایسته از این شهروندان اتحادیه اروپا هنوز راه درازی در پیش دارد. با توجه به زمینه‌های اجتماعی مناسب و تجهیز جامعه اروپا به نهادهای فراملی تقنینی، اجرائی و قضائی نسبتاً متکامل، طی این مسیر چندان سخت و طولانی به نظر نمی‌رسد.

33. Commission of the European Communities Brussels, 26.11.2007, *op. cit.*, p. 9.

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. VII, No. 1

2008-1

Articles

- Improvement of Buy Back Contracts in Iran's Oil Industry
- UNSC Resolution 1835: Its Bases and Perspectives
- Exclusion Clauses in Personal Insurances
- Human Rights and Criminalization Holocaust Denial: Conflict or Compatibility?
- Nuclear Incident and Principles of Civil Liability
- Prohibition of the Use of Force and the South Ossetia Crisis

Special Issue: Legal Protection of Persons with Disabilities

- Change of Discourse: People with Disabilities and the Contemporary Human Rights
- Reflections on Iranian Comprehensive Code for Protection of the Disabled Persons
- The Right of Children with Disabilities to Education in Iran
- Mechanisms to Protect "The Right to Work" of Persons with Disabilities
- Protection of Persons with Disabilities in Armed Conflicts
- Reflections on Protection of the Rights of People with Disabilities in European Community
- European Court of Human Rights and Appropriate Prison for Persons with Disabilities

Critique: The Draft of Iranian Penal Code

- A Pathology of the Draft of Islamic Penal Code in the light of Speech Rationality
- The Place of Victim in the Draft of Islamic Penal Code (A Victimological Analysis on Articles 111-1 to 166-2)
- Criminal Responsibility of Legal Persons in the Draft of Islamic Penal Code
- Some Reflections on Permission in *Qesas*

ISSN: 1682-9220



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law

Research & Study